



بررسی تأثیر ویژگی‌های خانواده‌های گسسته و پیوسته بر جامعه‌پذیری فرزندان (مطالعه موردی: دانش‌آموزان مقطع متوسطه اول شیراز)

جهانگیر جهانگیری*

دانشیار گروه جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی اجتماعی، دانشگاه شیراز، ایران

JJahangiri@gmail.com

نرجس شیری

دانش‌آموخته رشته علوم اجتماعی - جامعه‌شناسی، دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز، ایران

n.shiri21@yahoo.com

چکیده

جامعه‌پذیری فرایندی است پیوسته که از هنگام تولد تا مرگ از افراد جدا نیست و افراد به شیوه‌های گوناگون از آن تأثیر می‌پذیرند. خانواده نیز از مهم‌ترین نهادها برای تربیت و جامعه‌پذیری فرزندان می‌باشد. در این پژوهش به‌منظور فهم تمایز میان جامعه‌پذیری فرزندان خانواده‌های طلاق و خانواده‌های عادی به بررسی سطح جامعه‌پذیری فرزندان در ابعاد دینی، سیاسی، جنسیتی و ملی و همچنین تأثیر شرایط خانواده از جمله شغل والدین، تحصیلات والدین، میزان درآمد خانواده در جامعه‌پذیری دانش‌آموزان مقطع متوسطه اول شهر شیراز پرداخته شده است. روش تحقیق پیمایشی و حجم نمونه با فرمول کوکران ۴۲۰ دانش‌آموز تعیین شد که از این تعداد ۲۱۰ نفر فرزندان خانواده‌های طلاق و ۲۱۰ نفر فرزندان خانواده‌های عادی می‌باشد. روش نمونه‌گیری خوشه‌ای دومرحله‌ای و ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه محقق ساخته بود. ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷ نشان از پایایی مطلوب پرسشنامه داشت. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد میزان جامعه‌پذیری جنسیتی، دینی و ملی در بین اکثریت فرزندان خانواده‌های گسسته و پیوسته در سطح بالا و جامعه‌پذیری سیاسی در سطح متوسط می‌باشد. در بررسی تأثیر شرایط خانواده مشخص گردید جامعه‌پذیری فرزندان تحت تأثیر سطح تحصیلات و شغل والدین قرار نگرفته اما درآمد خانواده و جنسیت فرزندان در جامعه‌پذیری آنان نقش مؤثر دارد.

واژگان کلیدی: جامعه‌پذیری، دانش‌آموزان، خانواده‌های گسسته، خانواده‌های پیوسته



مقدمه

خانواده کوچک‌ترین واحد اجتماعی است که ثبات یا ناپایداری‌اش بر اعضای خانواده و جامعه اثر می‌گذارد و فروپاشی این واحد کوچک گاه چنان اثر عمیقی بر فرزندان دارد که باورکردنی نیست. گذشته از اثراتی که طلاق بر زوجین می‌گذارد، در مواردی که زوجین دارای فرزندان هستند، اثرات آن گریبان آن‌ها را نیز می‌گیرد، حتی می‌توان گفت فرزندان از این پدیده بیش‌ترین ضربه را متحمل می‌شوند. همین فرزندان در آینده مسئولیت تربیت نسل بعد را بر عهده خواهند گرفت و آسیب‌پذیری آن‌ها باعث تأثیر در رفتارهای تربیتی آن‌ها نسبت به فرزندان خود خواهد شد.

جامعه‌پذیری^۱ فرایندی است که از طریق آن یک فرهنگ به اعضای جامعه‌ی خود می‌آموزد که در جریان حضور در جامعه و برقراری ارتباط با نهادهای اجتماعی کارکرد بهتری داشته باشند. در این جریان فرد در یک طرف و جامعه در طرف دیگر است و حاصل سه فرایند می‌باشد: رابطه‌ی جامعه با فرد، رابطه‌ی فرد با جامعه و رابطه‌ی میان نهادها و گروه‌های جامعه‌پذیر کننده. اجتماعی شدن برای انسان ضروری است چرا که انسان فاقد غریزی است که رفتارهای خاص را برای موقعیت‌های ویژه مشخص کند. ما باید بیاموزیم که در موقعیت‌های مختلف چه احساس، اندیشه و رفتاری داشته باشیم. از یک سو این فرایند از طریق تأثیر والدین و سایر کارگزاران جامعه‌پذیری صورت می‌گیرد و از سوی دیگر محیط اقتصادی- اجتماعی فرد نقش تأثیرگذاری بر اجتماعی شدن وی دارد و در طول زندگی می‌تواند نگرش‌ها، باورها و رفتارهای وی را تعیین نماید؛ بنابراین جامعه‌پذیری در این مفهوم یک فرایند پویا است (Manoux and Marmot, 2005).

جامعه‌پذیری فرد را برای آموختن هنجارها، ارزش‌ها، زبان‌ها، مهارت‌ها، عقاید و الگوی فکر و عمل که همگی برای زندگی اجتماعی ضروری هستند، توانا می‌سازد. جامعه‌پذیری در طی دوره‌های زندگی انسان‌ها، یعنی در توالی اجتماعی و زیستی تولد، کودکی، بلوغ، کهنوت و مرگ تداوم می‌یابد و مدام هم در سطح فردی و هم در سطح اجتماعی موجب تغییر و دگرگونی شخصیت، هنجارها و ارزش‌های فرد می‌گردد. در هر مرحله‌ای از زندگی که انسان به نوعی به صورتی متفاوت با مرحله‌ی قبل اجتماعی می‌شود، دائماً با شرایط جدید یا متغیری مواجه می‌شود که هم جنبه‌ی شخصی و هم جنبه‌ی اجتماعی دارد و باید این فرایند به درستی در افراد درونی شود تا بتوانند در زندگی اجتماعی مشارکت کنند (فراجا، ۱۳۷۷).

به‌طور خاص، جامعه‌شناسان، جامعه‌پذیری را روندی می‌دانند که فرد را برای زندگی گروهی آماده می‌کند و نقشی اساسی را در شکل‌گیری شخصیت، نگرش و رفتار فرد بازی می‌کند. به عبارت دیگر فرایندی است که طی آن هر فردی راهکارهای ارائه شده از جانب یک اجتماع معلوم یا گروه‌های اجتماعی را آموخته و در خود درونی می‌کند تا بتواند در جامعه مشارکت کند و کارکردهای اجتماعی را ایفا کند (Elkin and Handel, 1972).

بدون شک می‌توان بیان کرد یکی از اصلی‌ترین و مهم‌ترین نهادها در جوامع بشری در طول تاریخ نهاد خانواده بوده است. این نهاد علاوه بر این که محیطی امن جهت زندگی اعضا در کنار هم می‌باشد از مهم‌ترین نهادها برای تربیت و جامعه‌پذیری فرزندان نیز می‌باشد. اگرچه نهادها دیگری چون مدرسه، وسایل ارتباط جمعی و گروه‌های همسالان نیز در این مسئله بسیار تأثیرگذار هستند. اندیشمندان معتقدند که افکار و اندیشه‌ها و نگرش‌های هر فرد درون خانواده شکل گرفته و در اثر آمیخته شدن با تجربیات ناشی از شرایط عینی خانواده، سبب می‌شود هر فرد متفاوت از دیگری اجتماعی گشته و پا به جامعه بگذارد. پس هر انسانی پس از تولد، متأثر از محیط اجتماعی- فرهنگی خاص خود پرورش یافته و در طی فرایند رشد، خودآگاهانه و ناخودآگاهانه ارزش‌ها و هنجارها و ... را فرا گرفته و درونی می‌کند.

با عنایت به مطالب فوق ملاحظه می‌گردد که جامعه‌پذیری و شیوه‌های درست آن در بین نوجوانان نقش اساسی دارد بنابراین هدف تحقیق حاضر این است که نقش شرایط دو نوع ساخت خانواده‌ی متفاوت (خانواده‌های گسسته و پیوسته) را در جامعه‌پذیری فرزندان مورد بررسی و مقایسه قرار داده و نشان دهد که ساخت خانواده تا چه میزان بر نوع جامعه‌پذیری فرزندان تأثیرگذار است.

پیشینه تحقیق

^۱ Socialization

شکریگی (۱۳۸۵) بزهکاران دختر و پسر از سن ۱۴ تا ۱۸ ساله مرکز کانون اصلاح و تربیت و همچنین جوانان غیر بزهکار دختر و پسر ۱۴ تا ۱۸ سال محصل در مدارس دولتی تهران در سال ۸۴-۸۳ را بررسی و مقایسه کرد. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه و نمونه‌گیری به روش تصادفی سیستماتیک بود. نتایج نشان داد که فقدان پدر و مادر، اضطراب و احساس ناامنی به خاطر نداشتن محیط گرم خانوادگی می‌تواند در گرایش نوجوانان به بزهکاری مؤثر باشد. پژوهشگر معتقد بود در مجموع سطح سواد پایین، فقدان پدر یا مادر، افزایش فرزندان خانواده، وجود فرد معتاد در خانه، ازدواج مجدد والدین و نابسامانی خانواده می‌تواند در گرایش نوجوانان به بزهکاری مؤثر باشد.

دسترنج (۱۳۹۲) در پژوهشی به رابطه‌ی ویژگی‌های خانواده با جامعه‌پذیری فرزندان می‌پردازد. این پژوهش با روش پیمایشی و با استفاده از تکنیک پرسشنامه انجام شده و به روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای تعداد ۳۷۵ نفر از زنان و مردان شهر لار انتخاب و مورد پرسش قرار گرفتند. نتایج بیانگر این مسئله است که متغیرهای تحصیلات مادر، وضعیت اشتغال مادر، شغل مادر، شغل پدر، تحصیلات پدر، درآمد خانوادگی با جامعه‌پذیری رابطه‌ی معنادار دارند که برخی از آن‌ها رابطه‌ی مستقیم و برخی رابطه‌ی معکوس با جامعه‌پذیری داشته‌اند.

واحد آمار و پژوهش دیپارتمان قضایی کانادا (۱۹۹۷) طی مطالعه‌ای اثرات طلاق را بر فرزندان بررسی کرد. در این مطالعه‌ی مروری، پژوهش‌های پیشین در این زمینه از سال ۱۹۵۰ به بعد که بیش‌تر آن‌ها در آمریکا انجام پذیرفته بودند مورد بررسی قرار گرفتند. در این پژوهش به عوامل تأثیرگذار در تطبیق‌پذیری فرزندان طلاق از جمله ویژگی‌های فرزند، ویژگی‌های خانواده و شرایط طلاق پرداخته شد و پس از آن به راهکارهای کاهش آثار منفی بر روی فرزندان پرداخته شد. نتایج نشان داد کاهش اختلاف بین والدین و افزایش ارتباط بین والدین و فرزندان، دسترسی به هر دوی پدر و مادر، گروه‌های حمایتی و برنامه‌های روان‌درمانی می‌تواند آثار منفی طلاق بر فرزندان را کاهش دهد.

Elbedour و همکاران (۲۰۰۷) در مطالعه‌ای به "بررسی رابطه‌ی بین ساختار خانواده و سلامت روان نوجوانان عرب" پرداخته‌اند. بدین منظور ۲۱۰ نوجوان با میانگین سنی ۱۵/۹ سال به گونه‌ی تصادفی انتخاب شدند. نتایج مطالعه نشان داده است که ساختار خانواده نقشی مهم در سلامت روانی فرزندان دارد.

Radl و Bernardi در سال ۲۰۱۴ به بررسی پیامدهای بلند مدت طلاق والدین بر ادامه تحصیل فرزندان پرداختند. جمعیت نمونه انتخاب شده افراد ۲۵ سال به بالا و تعداد ۸۳۰۴۸ نفر بود. نتایج نشان دادند فرزندان والدین جدا شده ۷ درصد کم‌تر از سایرین مدارک دانشگاهی داشتند که این آثار منفی برای فرزندان والدین با سطح تحصیلات بالاتر بیش‌تر بود. در کشورهایی که انتخاب رشته تحصیلی در سنین پایین‌تر انجام می‌شد طلاق بر فرزندان کم‌سواد بودند تأثیر منفی بیش‌تری داشت.

فرضیات تحقیق

- جنسیت فرزندان با جامعه‌پذیری آنان (دینی، ملی، سیاسی و جنسیتی) در دو نوع خانواده‌های گسسته و پیوسته رابطه دارد.
- شغل والدین با جامعه‌پذیری فرزندان (دینی، ملی، سیاسی و جنسیتی) در دو نوع خانواده‌های گسسته و پیوسته رابطه دارد.
- تحصیلات والدین با جامعه‌پذیری فرزندان (دینی، ملی، سیاسی و جنسیتی) در دو نوع خانواده‌های گسسته و پیوسته رابطه دارد.
- میزان درآمد خانواده با جامعه‌پذیری فرزندان (دینی، ملی، سیاسی و جنسیتی) در دو نوع خانواده‌های گسسته و پیوسته رابطه دارد.

روش تحقیق

مطالعات و تحقیقات اجتماعی را می‌توان بر اساس ملاک‌ها و معیارهای مختلفی دسته‌بندی کرد. انتخاب یک روش یا تکنیک خاص همواره بستگی به شرایط دارد (رفیع‌پور، ۱۳۸۷). در این تحقیق از روش کمی و تکنیک پیمایش استفاده شده است و از لحاظ نوع برخورد با مسئله مورد بررسی و ورود به آن مطالعه‌ای میدانی است.

جامعه آماری

جامعه آماری تحقیق شامل تمام دانش‌آموزان مقطع متوسطه اول در شهرستان شیراز می‌باشد. بر اساس اطلاعات موجود در سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵، تعداد دانش‌آموزان مقطع متوسطه اول ۶۴۳۶۸ نفر می‌باشند که از این تعداد ۳۲۹۴۱ دانش‌آموز دختر و ۳۱۴۲۷ دانش‌آموز پسر در چهار ناحیه آموزش و پرورش شیراز مشغول به تحصیل می‌باشند.

نمونه و روش نمونه‌گیری

تعداد افرادی که در این تحقیق مورد پرسش قرار می‌گیرند، بر اساس فرمول کوکران (رفیع‌پور، ۱۳۸۷) برای دانش‌آموزان برابر با ۳۸۲ نفر برآورد شده است که به‌منظور بالا بردن دقت تعمیم دهی و برابری در جنسیت، تعداد دانش‌آموزان هر پایه و فرزندان با ساخت متفاوت خانواده ۴۲۰ پرسشنامه تکثیر و توزیع گردید. دانش‌آموزان به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند.

ابزارهای پژوهش

پرسشنامه مورد استفاده در این تحقیق محقق ساخته است که پس از مطالعات اسنادی و بررسی تحقیقات پیشین، با استفاده از سؤالات بسته، در دو بخش تهیه شده است. در پرسشنامه به بررسی سطح جامعه‌پذیری که شامل ابعاد دینی، سیاسی، ملی و جنسیتی بود، پرداخته شد و همچنین از پاسخگویان درباره سن، جنسیت، میزان تحصیلات پدر و مادر، شغل پدر و مادر، میزان درآمد ماهیانه خانواده سؤال گردید.

در بررسی اعتبار پرسشنامه، از نظر اساتید هیئت‌علمی بهره برده شد و برخی سؤالات حذف، اضافه گردید و همچنین در برخی سؤالات نیز بر حسب ضرورت تغییراتی صورت گرفت. در بررسی پایایی پرسشنامه مقدار آلفای کرونباخ بالاتر از ۰/۷ محاسبه گردید که مقدار مطلوب و قابل قبول می‌باشد.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای انجام پردازش اطلاعاتی از نرم‌افزار آماری SPSS در سطح معنی‌داری $p \leq 0/05$ استفاده شده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها در دو سطح توصیفی و تحلیلی صورت گرفته است. در سطح توصیفی از توزیع فراوانی متغیرها استفاده شد. در سطح تحلیلی جهت بررسی تأثیر ساختار خانواده (طلاق/عادی) بر جامعه‌پذیری فرزندان از آزمون کوواریانس استفاده گردید.

یافته‌ها

الف) یافته‌های توصیفی

در این بخش ابتدا توزیع فراوانی متغیرهای سن، جنس دانش آموزان و همچنین شغل والدین، میزان تحصیلات والدین و میزان درآمد خانواده در دانش آموزان مقطع متوسطه اول شهر شیراز در خانواده‌های طلاق و عادی در جداول ۱ تا ۵ ارائه شده است و سپس سطح جامعه‌پذیری دانش آموزان در ابعاد دینی، سیاسی، جنسیتی و ملی در دو گروه خانواده تعیین گردیده است.

جدول ۱- توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب گروه‌های سنی

نوع خانواده	گروه سنی		
	۱۶-۱۷	۱۴-۱۵	۱۲-۱۳
طلاق	تعداد	۱۲۴	۶۵
	درصد	۲۹/۵	۱۵/۵
عادی	تعداد	۱۲۹	۷۴
	درصد	۳۰/۷	۱۷/۶
کل	تعداد	۲۵۳	۱۳۹
	درصد	۶۰/۲	۳۳/۱

بر اساس جدول ۱، از کل نمونه مورد بررسی، ۳۳/۱ درصد از پاسخگویان در گروه سنی بین ۱۲ تا ۱۳ سال، ۶۰/۲ درصد در گروه سنی ۱۴ تا ۱۵ سال، ۶/۷ درصد در گروه سنی ۱۶ تا ۱۷ سال قرار دارند. بررسی تطبیقی نشان می‌دهد که در توزیع گروه‌های سنی در بین خانواده‌های عادی و طلاق تفاوت اندکی وجود دارد، به طوری که اکثریت دانش آموزان خانواده طلاق و عادی در گروه سنی ۱۴ تا ۱۵ سال قرار دارند.

جدول ۲- توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب جنسیت

نوع خانواده	جنسیت	
	پسر	دختر
طلاق	تعداد	۱۰۵
	درصد	۲۵
عادی	تعداد	۱۰۵
	درصد	۲۵
کل	تعداد	۲۱۰
	درصد	۵۰

بر اساس جدول ۲، ۵۰/۲ درصد پاسخگویان دختر و ۵۰ درصد دیگر پسر هستند. در گروه خانواده‌های طلاق و خانواده‌های عادی ۲۵ درصد دختر و ۲۵ درصد پسر هستند.

جدول ۳- توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب شغل پدر و شغل مادر

نوع خانواده	شغل والدین					
	خانه‌دار	دولتی	آزاد	بازنشسته	بیکار	بدون پاسخ
طلاق	تعداد	۴۱	۱۳۰	۱۱	۱۳	۱۴
	درصد	۰/۲	۹/۸	۳۱	۲/۶	۳/۱
عادی	تعداد	۰	۶۲	۱۲۳	۲۰	۵
	درصد	۰	۱۴/۸	۲۹/۳	۴/۸	۱/۲



تعداد	۱	۱۰۳	۲۵۳	۳۱	۱۸	۱۴
درصد	۰/۲	۲۴/۵	۶۰/۲	۷/۴	۴/۳	۳/۳
تعداد	۱۳۹	۲۶	۳۹	۰	۵	۱
درصد	۳۳/۱	۶/۲	۹/۳	۰	۱/۲	۰/۲
تعداد	۱۸۶	۱۱	۱۰	۲	۱	۰
درصد	۴۴/۳	۲/۶	۲/۴	۰/۵	۰/۲	۰
تعداد	۳۲۵	۳۷	۴۹	۲	۶	۱
درصد	۷۷/۴	۸/۸	۱۱/۷	۰/۵	۱/۴	۰/۲

بر اساس جدول ۳، ۰/۲ درصد پدران خانه‌دار، ۲۴/۵ درصد دولتی، ۶۰/۲ درصد شغل آزاد، ۷/۴ درصد بازنشسته، ۴/۳ درصد بیکار، ۳/۳ درصد بدون پاسخ هستند. همچنین در بررسی شغل مادر مشخص گردید، ۷۷/۴ درصد مادران خانه‌دار، ۸/۸ درصد دولتی، ۱۱/۷ درصد شغل آزاد، ۰/۵ درصد بازنشسته، ۱/۴ درصد بیکار، ۰/۲ درصد بدون پاسخ هستند. بررسی تطبیقی نشان می‌دهد که در توزیع شغل پدر و شغل مادر در بین خانواده‌های عادی و طلاق تفاوت اندکی وجود دارد، به طوری که در پدران شغل آزاد بیشترین درصد در خانواده‌های طلاق (۳۱ درصد) و در خانواده‌های عادی (۲۹/۳ درصد) می‌باشد. در مادران نیز خانه‌داری بیشترین درصد در خانواده‌های طلاق (۳۳/۱ درصد) و در خانواده‌های عادی (۴۴/۳ درصد) می‌باشد.

جدول ۴- توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب تحصیلات پدر و تحصیلات مادر

نوع خانواده	بی- سواد	ابتدایی	کم‌تر از دیپلم	دیپلم	فوق دیپلم	لیسانس	فوق لیسانس و بالاتر	بدون پاسخ
تحصیلات پدر	تعداد	۵	۱۶	۵۹	۷۴	۲۱	۱۴	۸
	درصد	۱/۲	۳/۸	۱۴	۱۷/۶	۵	۳/۳	۱/۹
	تعداد	۴	۲۲	۵۴	۶۷	۲۳	۱۱	۰
	درصد	۱	۵/۲	۱۲/۹	۱۶	۵/۵	۲/۶	۰
	تعداد	۹	۳۸	۱۱۳	۱۴۱	۴۲	۲۵	۸
	درصد	۲	۹	۲۶/۹	۳۳/۶	۱۰	۱۰/۵	۱/۹
تحصیلات مادر	تعداد	۳	۱۹	۴۵	۷۸	۲۱	۳۳	۲
	درصد	۰/۷	۴/۵	۱۰/۷	۱۸/۶	۵	۷/۹	۰/۵
	تعداد	۴	۲۲	۴۴	۸۶	۲۴	۲۰	۱
	درصد	۱	۵/۲	۱۰/۵	۲۰/۵	۵/۷	۴/۸	۲/۱
	تعداد	۷	۴۱	۸۹	۱۶۴	۴۵	۵۳	۱۸
	درصد	۱/۷	۹/۸	۲۱/۲	۳۹	۱۰/۷	۱۲/۶	۴/۳

جدول ۴ نشان می‌دهد ۱/۲ درصد پدران بی‌سواد، ۹ درصد ابتدایی، ۲۶/۹ درصد کم‌تر از دیپلم، ۳۳/۶ درصد دیپلم، ۱۰ درصد فوق دیپلم، ۱۰/۵ درصد لیسانس و ۶ درصد فوق لیسانس و بالاتر هستند. همچنین ۱/۷ درصد مادران بی‌سواد، ۹/۸ درصد ابتدایی، ۲۱/۲ درصد کم‌تر از دیپلم، ۳۹ درصد دیپلم، ۱۰/۷ درصد فوق دیپلم، ۱۲/۶ درصد لیسانس و ۴/۳ درصد فوق لیسانس و بالاتر هستند. بررسی تطبیقی نشان می‌دهد که در توزیع سطح تحصیلات پدر و مادر در بین خانواده‌های عادی و طلاق تفاوت اندکی وجود دارد. در خانواده‌های طلاق و خانواده‌های عادی، بیشترین سطح تحصیلات پدر و مادر دیپلم بود.

جدول ۵- توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب میزان درآمد خانواده

نوع خانواده	زیر یک میلیون	بین یک تا دو میلیون	بین دو تا سه میلیون	بالاتر از سه میلیون	بدون درآمد
طلاق	تعداد	۶۷	۳۱	۲۳	۱۰

۲/۴	۵/۵	۷/۴	۱۶	۱۸/۸	درصد	
۴	۲۰	۴۲	۸۴	۶۰	تعداد	عادی
۱	۴/۸	۱۰	۲۰	۱۴/۳	درصد	
۱۴	۴۳	۷۳	۱۵۱	۱۳۹	تعداد	کل
۳/۳	۱۰/۲	۱۷/۴	۳۶	۳۳/۱	درصد	

بر اساس جدول ۵، ۲۲/۱ درصد خانواده‌ها درآمدشان زیر یک میلیون تومان، ۳۶ درصد بین یک تا دو میلیون تومان، ۱۷/۴ درصد بین دو تا سه میلیون تومان، ۱۰/۲ درصد بالاتر از سه میلیون تومان و ۳/۳ درصد بدون درآمد می‌باشد. بررسی تطبیقی نشان می‌دهد که در توزیع میزان درآمد ماهیانه در بین خانواده‌های عادی و طلاق تفاوت اندکی وجود دارد، به طوری که درآمد زیر یک میلیون تومان بیشترین درصد (۱۸/۸ درصد) در خانواده‌های طلاق و در خانواده‌های عادی درآمد بین یک تا دو میلیون تومان بیشترین درصد (۲۰ درصد) را شامل می‌باشد.



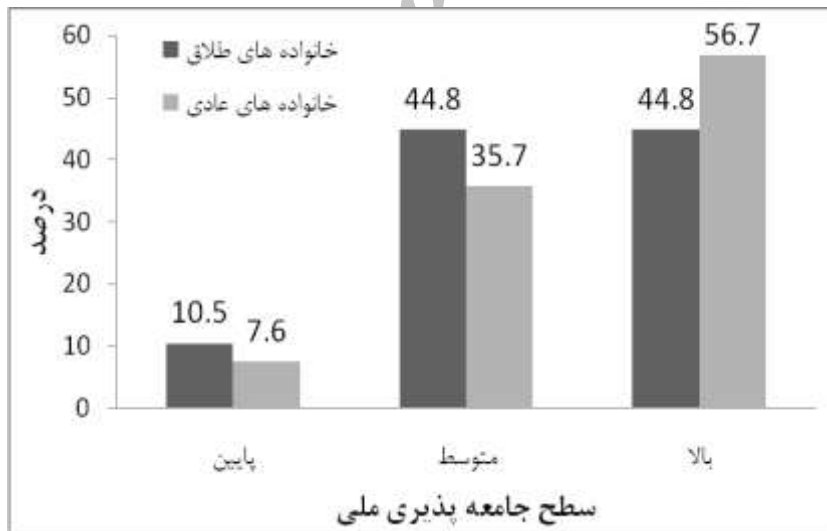
نمودار ۱- سطح جامعه‌پذیری دینی در پاسخگویان

نمودار ۱، سطح جامعه‌پذیری دینی جمعیت مورد مطالعه را نشان می‌دهد. میزان جامعه‌پذیری دینی در بین ۷/۱ درصد از گروه خانواده‌های طلاق در سطح پایین، ۴۲/۴ درصد در سطح متوسط و ۵۰/۵ درصد در سطح بالا می‌باشد. همچنین در گروه خانواده‌های عادی، میزان جامعه‌پذیری دینی در بین ۱/۹ درصد از آن‌ها در سطح پایین، ۳۴/۳ درصد در سطح متوسط و ۶۳/۸ درصد در سطح بالا است. بررسی تطبیقی نشان می‌دهد که بین خانواده‌های طلاق و عادی از نظر متغیر جامعه‌پذیری دینی تفاوت وجود ندارد، به طوری که اکثریت میزان جامعه‌پذیری دینی در خانواده‌های گروه طلاق و خانواده‌های عادی در سطح بالا می‌باشد.



نمودار ۲- سطح جامعه پذیری جنسیتی در پاسخگویان

همان طور که در نمودار ۲ نشان داده شده است، میزان جامعه پذیری جنسیتی در بین ۵/۷ درصد از گروه خانواده های طلاق در سطح پایین، ۴۴/۸ درصد در سطح متوسط و ۴۹/۵ درصد در سطح بالا می باشد. همچنین در گروه خانواده های عادی، میزان جامعه پذیری جنسیتی در بین ۳/۸ درصد از آن ها در سطح پایین، ۳۷/۱ درصد در سطح متوسط و ۵۹ درصد در سطح بالا است. بررسی تطبیقی نشان می دهد که بین خانواده های طلاق و عادی از نظر متغیر جامعه پذیری جنسیتی تفاوت وجود ندارد، به طوری که اکثریت میزان جامعه پذیری جنسیتی در خانواده های گروه طلاق و خانواده های عادی در سطح بالا می باشد.



نمودار ۳- سطح جامعه پذیری ملی در پاسخگویان

نمودار ۳ نشان می دهد میزان جامعه پذیری ملی در بین ۱۰/۵ درصد از گروه خانواده های طلاق در سطح پایین، ۴۴/۸ درصد در سطح متوسط و ۴۴/۸ درصد در سطح بالا می باشد. همچنین در گروه خانواده های عادی، میزان جامعه پذیری ملی در بین ۷/۶ درصد از آن ها در سطح پایین، ۳۵/۷ درصد در سطح متوسط و ۵۶/۷ درصد در سطح بالا می باشد. بررسی تطبیقی نشان می دهد که بین خانواده های طلاق و عادی از نظر متغیر جامعه پذیری ملی تفاوت وجود ندارد، به طوری که اکثریت میزان جامعه پذیری ملی در خانواده های گروه طلاق و خانواده های عادی در سطح بالا می باشد.



نمودار ۴ - سطح جامعه پذیری سیاسی در پاسخگویان

چنانچه در نمودار ۴ مشاهده می شود، میزان جامعه پذیری سیاسی در بین ۲۵/۲ درصد از گروه خانواده های طلاق در سطح پایین، ۵۴/۳ درصد در سطح متوسط و ۲۰/۵ درصد در سطح بالا می باشد. همچنین در گروه خانواده های عادی، میزان جامعه پذیری سیاسی در بین ۲۳/۳ درصد از آن ها در سطح پایین، ۴۷/۲ درصد در سطح متوسط و ۲۹/۵ درصد در سطح بالا می باشد. بررسی تطبیقی نشان می دهد که بین خانواده های طلاق و عادی از نظر متغیر جامعه پذیری سیاسی تفاوت وجود ندارد، به طوری که اکثریت میزان جامعه پذیری سیاسی در خانواده های گروه طلاق و خانواده های عادی در سطح متوسط می باشد.

ب) یافته های استنباطی

بر اساس جدول ۶ برای بررسی تأثیر ساختار خانواده (طلاق/عادی) بر جنسیت، سطح تحصیلات والدین، شغل والدین و درآمد خانواده بر جامعه پذیری فرزندان از آزمون کوواریانس استفاده گردید.

تفاوت مشاهده شده بین میانگین جنسیت پاسخگویان، از نظر جامعه پذیری در سطح اطمینان ۹۹ درصد ($Sig = ۰/۰۰۱$)، معنی دار می باشد، لذا فرضیه فوق تأیید می شود؛ یعنی بین جنسیت و جامعه پذیری پاسخگویان رابطه معنی داری مشاهده می شود.

تفاوت مشاهده شده بین میانگین سطح تحصیلات والدین پاسخگویان، از نظر جامعه پذیری در سطح اطمینان ۹۵ درصد ($Sig = ۰/۶۵۳$)، معنی دار نمی باشد، لذا فرضیه فوق تأیید نمی شود؛ یعنی بین سطح تحصیلات والدین و جامعه پذیری پاسخگویان رابطه معنی داری مشاهده نمی شود.

تفاوت مشاهده شده بین میانگین شغل والدین پاسخگویان، از نظر جامعه پذیری در سطح اطمینان ۹۵ درصد ($Sig = ۰/۶۳۹$)، معنی دار نمی باشد، لذا فرضیه فوق تأیید نمی شود؛ یعنی بین شغل والدین و جامعه پذیری پاسخگویان رابطه معنی داری مشاهده نمی شود.

تفاوت مشاهده شده بین میانگین درآمد خانواده پاسخگویان، از نظر جامعه پذیری در سطح اطمینان ۹۵ درصد ($Sig = ۰/۰۴۱$)، معنی دار می باشد، لذا فرضیه فوق تأیید می شود؛ یعنی بین درآمد خانواده و جامعه پذیری پاسخگویان رابطه معنی داری مشاهده می شود.

جدول ۶- آزمون کوواریانس جامعه پذیری پاسخگویان با توجه به ساختار خانواده و جنسیت آن ها

معنی داری	مقدار F	میانگین مجزورات	فرضیه
۰/۰۰۱	۱۲/۰۶	۷۴۳۴/۰۲	بین جنسیت دانش آموزان و جامعه پذیری (دینی، ملی، سیاسی و جنسیتی)

رابطه وجود دارد			
۰/۶۵۳	۰/۷۲۳	۳۳۸/۵۵	بین سطح تحصیلات والدین و جامعه پذیری (دینی، ملی، سیاسی و جنسیتی) فرزندان رابطه وجود دارد.
۰/۶۳۹	۰/۶۸۰	۳۱۰/۱۰	بین شغل والدین و جامعه پذیری (دینی، ملی، سیاسی و جنسیتی) رابطه وجود دارد
۰/۰۴۱	۲/۵۱	۱۱۴۶/۶۵	بین درآمد خانواده و جامعه پذیری (دینی، ملی، سیاسی و جنسیتی) فرزندان رابطه وجود دارد.

بحث و نتیجه گیری

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد میزان جامعه‌پذیری جنسیتی و دینی در بین اکثریت فرزندان خانواده‌های گسسته و پیوسته در سطح بالا می‌باشد که این میزان در زمینه جامعه‌پذیری سیاسی دو گروه در بین اکثریت در سطح متوسط بوده اما در مورد جامعه‌پذیری ملی یافته‌ها کمی تفاوت را نشان می‌دهند. به‌طوری‌که در بین فرزندان خانواده‌های عادی میزان جامعه‌پذیری ملی بیش‌تر آن‌ها در سطح بالا است اما این میزان در مورد فرزندان خانواده‌های طلاق در بین اکثریت در سطح متوسط و بالا برابری می‌کند. بررسی فرضیات تحقیق نشان داد جامعه‌پذیری فرزندان در جامعه امروز تحت تأثیر برخی شرایط خانواده از جمله سطح تحصیلات و شغل والدین نیست. نتایج حاصل با نتایج سایر محققان از جمله نقدی و روشنایی (۱۳۹۱)، امری (۱۳۸۶) و کشوری (۱۳۷۶) مطابقت ندارد که می‌تواند به دلیل تأثیر سایر عوامل از جمله عوامل فرهنگی در شهرهای مختلف باشد؛ به‌عبارت‌دیگر، در سال‌های اخیر با توجه به رشد پدیده طلاق و افزایش تعداد فرزندان که در خانواده‌های تک والد یا به دور از والدین زندگی می‌کنند، این مسئله عادی به نظر می‌رسد. در نتیجه سطح تحصیلات و شغل والدین، تفاوت قابل‌ملاحظه‌ای را در جامعه‌پذیری فرزندان ایجاد نمی‌کند و علاوه بر خانواده، عوامل دیگری وجود دارد که در جامعه‌پذیری فرزندان نقش پررنگ‌تری دارد. نتایج نشان داد درآمد خانواده در جامعه‌پذیری فرزندان نقش دارد که با نتایج تحقیقات زکی و میربهاء‌الدینی (۱۳۹۱)، زنگنه (۱۳۸۲) و عبقری (۱۳۷۹) هم‌راستا می‌باشد.

در پژوهش حاضر به بررسی نقش شرایط خانواده بر جامعه‌پذیری دینی، ملی، سیاسی و جنسیتی فرزندان پرداخته شد. با توجه به اینکه جامعه‌پذیری ابعاد بسیار گسترده‌تری دارد لذا پیشنهاد می‌شود دیگر ابعاد جامعه‌شناسی نیز در تحقیقات آتی ملحوظ گردد. همچنین خانواده‌های گسسته تنها به خانواده‌های طلاق محدود نمی‌شود، بلکه همچنین شامل خانواده‌هایی است که یکی از والدین فوت کرده‌اند یا یکی از والدین خانه را ترک کرده است یا شغل یکی از والدین به‌گونه‌ای است که همواره فرزندان نزد والد دیگر نگهداری می‌شوند. لذا بررسی فرزندان سایر خانواده‌های گسسته می‌تواند در افزایش دقت نتایج تحقیق مؤثر باشد.

منابع

- امری، فاطمه، بررسی نقش خانواده در جامعه‌پذیری جنسیت فرزندان (مطالعه موردی: شهر شیراز)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علوم اجتماعی، جامعه‌شناسی، دانشگاه اصفهان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ۱۳۸۶.
- دسترنج، م. (۱۳۹۲). زن و مطالعات خانواده، ۲۲، ۷۹-۹۸.
- رفیع‌پور، فرامرز، ۱۳۸۷، تکنیک‌های خاص تحقیق در علوم اجتماعی (چاپ پنجم). تهران، ایران: شرکت سهامی انتشار.
- زکی، محمدعلی، میربهاء‌الدینی، رضا، کیفیت زندگی خانواده و نقش آن در جامعه‌پذیری فرزندان، مجله فرهنگی - تربیتی زنان و خانواده، شماره ۲۰، پاییز ۱۳۹۱.
- زنگنه، محمد، بررسی عوامل فرهنگی مؤثر بر جامعه‌پذیری نوجوانان و جوانان (مطالعه موردی: دانش‌آموزان مقاطع راهنمای و متوسطه استان بوشهر). نامه پژوهش فرهنگی، سال هشتم، شماره هفتم، ۱۳۸۲.
- شکریبگی، عالیبه، بررسی رابطه بین طلاق و بزهکاری فرزندان ۱۴ تا ۱۸ ساله شهر تهران، فصلنامه تخصصی جامعه‌شناسی، شماره پنجم، بهار ۱۳۸۵، ۷۵-۹۲.



کشوری، ماهرخ، بررسی ارتباط بین میزان رشد اجتماعی کودکان و نحوه عملکرد و طبقه‌بندی اجتماعی خانواده آن‌ها در مدارس ابتدایی فولادشهر اصفهان، نشریه علمی دانشکده پرستاری و مامایی، ۱۳۷۶
عبقری، جلال، سنجش رشد اجتماعی و تأثیر برخی عوامل آموزشی بر آن در سال تحصیلی ۷۹-۷۸، یزد، شورای تحقیقات سازمان آموزش و پرورش.

فرجاد، محمدحسین، ۱۳۷۷، بررسی مسائل اجتماعی ایران: فساد اداری، اعتیاد، طلاق، تهران، ایران: نشر اساطیر.
نقدی، اسدالله، روش‌های تربیتی (جامعه‌پذیری) پدران در خانواده‌های ایرانی از نگاه جوانان، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال چهارم، شماره سوم، تابستان ۱۳۹۱.

Bernardi, Fabrizio, and Jonas Radl. (2014). (2014). The long-term consequences of parental divorce for children's educational attainment. *Demographic research*, 30, 1653-1680.

Department of Justice Canada (1997). The effects of divorce on children: Working Document.

Elkin, Frederick, and Gerald Handel. (1972). *The child and society: the process of socialization*. New York: Random house.

Elbedour, S., William Bart, and Joel Hektner. (2007). The relationship between monogamous/polygamous family structure and the mental health of Bedouin Arab adolescents. *Journal of adolescence*, Vol. 30, No. 2. 213-230.

Singh-Manoux, Archana, and Michael Marmot. (2005), The role of socialization in explaining social inequalities in health. *Journal of social science and medicine*. Vol. 60. 2129-2133.

Archive of SID